




Corona Virus and the Birth of Tragedy; Requirements for Iranian politics in overcoming the Corona crisis

*Peyman Zanganeh¹, Sayeed Hossein Athari²

1. Ph.D. candidate in Political Science (Political Thought), Ferdowsi University of Mashhad(Responsible author)
2. Associate Professor of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad

DOI: [10.22034/ipsa.2021.440](https://doi.org/10.22034/ipsa.2021.440)

 [20.1001.1.1735790.1400.16.3.7.4](https://doi.org/10.22034/ipsa.2021.440)

Received: 16/08/2021

Revised: 25/09/2021

Accepted: 24/10/2021

ABSTRACT

The emergence of the catastrophic Corona disease has taken the lives of countless people while disrupting lifestyles and governance models. This invisible virus, by disrupting the lifestyle and marginalizing the joy and vitality of the modern lifestyle, has once again exposed the bitter and sad reality of life, the issue of death, to human beings more than before, and has also contributed to the birth of tragedy. The man of the post-Corona period is now faced with a crisis of meaning, in other words, he has much distanced himself from the hope and vitality of the post-Corona period, wondering whether the human will itself gave birth to such a painful tragedy or a supernatural force in Figuring out such a tragedy has been effective. This article based on descriptive and analytical approach to show the destructive effects of coronavirus in political, economic, social and cultural-religious context of Iranian society with a focus on the bilateral action of political agents and citizens, intends to emphasize love in its material and spiritual aspects and promoting it as the basis of Iran's policy system as a fundamental solution of the coronavirus crisis. The painful and catastrophic effects of this destructive virus can be dramatically reduced and awakened a sense of hope in life in the form of artistic creation, to embellish the suffering psyche of society.

Key words:

Corona Virus,
Tragedy, Eros,
The Issue of
Death, Destiny

* Corresponding Author:
Peyman Zanganeh, PhD
E-mail: peyman.zanganeh@mail.um.ac.ir

کرونا و زایش تراژدی؛ بایسته‌هایی برای سیاست‌ورزی ایرانی به‌منظور برون‌شدن از بحران کرونا

* پیمان زنگنه^۱، سیدحسین اطهری^۲

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش اندیشه سیاسی)، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

لینک گزارش نتیجه مشابهت‌یابی: https://hamyab.sinaweb.net/Ci_result/details/558BE3D0243FD220/2%

چکیده

پیدایی بیماری فاجعه‌بار کرونا، ضمن به‌هم‌ریختن سبک زندگی و الگوی حکومت‌مداری، جان انسان‌های بی‌شماری را گرفته است. این ویروس نامرئی، با ایجاد ناپسامانی در سبک زندگی و به‌حاشیه راندن شادی، نشاط، و سرزندگی ناشی از سبک زندگی مدرن، بار دیگر واقعیت‌عریان و غمبار زندگی، یعنی مسئله مرگ، را بیشتر از گذشته فراروی انسان‌ها نهاده و به زایش تراژدی نوینی یاری رسانده است. اکنون، انسان دوره‌پساکرونا با بحران معنا روبه‌رو شده یا به بیان روشن‌تر، به‌گونه‌ای محسوس، از امید، نشاط، و سرزندگی دوران پیشاکرونا فاصله گرفته است و به این می‌اندیشد که آیا اراده انسانی، خود سبب زایش چنین تراژدی دردناکی شده یا اینکه نیرویی فراطبیعی در رقم زدن چنین مصیبتی مؤثر بوده است. نوشتار پیش‌رو، به شیوه توصیفی و تحلیلی و با هدف نمایش جلوه‌های ویرانگر کروناویروس در بافتار سیاسی، اقتصادی-اجتماعی، و فرهنگی مذهبی جامعه ایرانی با محوریت عملکرد دوسویه کارگزاران سیاسی و شهروندان، بر این نظر است که با تأکید بر عشق در وجوه مادی و معنوی‌اش و ترویج آن به‌عنوان مبنای نظام سیاست‌گذاری ایران، به‌عنوان راهکار بنیادینی برای برون‌شدن از بحران کرونا، می‌توان از پیامدهای دردناک و فاجعه‌بار این ویروس ویرانگر، به‌گونه‌ای چشمگیر کاست و حس امید به زندگی را در قالب آفرینش‌گری هنری، به‌منظور تسکین روان رنج‌کشیده جامعه، بیدار کرد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۸/۲

نوع مقاله: پژوهشی

واژگان کلیدی:

کرونا، تراژدی، اروس، مسئله مرگ، سرنوشت

* نویسنده مسئول:

پیمان زنگنه

پست الکترونیک: peyman.zanganeh@mail.um.ac.ir

مقدمه

همه‌گیری ویروس کرونا، که مدتی است تمام بشریت را درگیر کرده، چالش‌های بنیادینی را فراروی زندگی انسان‌ها قرار داده است. شدت سرایت این بیماری شگفت‌آور است. البته این سرعت سرایت در سطح جهان، خود گویای این است که شیوه زیست انسان‌ها در جهان کنونی - که ارتباطات، آشکارترین وجه آن است - به گونه‌ای است که بیماری از این گذرگاه با سرعت بیشتری می‌تواند انتقال پیدا کند و هزینه‌های جانی و مالی زیادی را نیز در پی داشته باشد.

شیوه زیست حاکم بر جهان امروز، که بر اثر حاکمیت سرمایه‌داری و تسلط انسان بر طبیعت، گاهی با تخریب و تغییر در چرخه موجود آن همراه بوده است، بیانگر این است که محیط زیست دست‌کاری شده به وسیله ماشین حرص و ولع انسانی، نه تنها پایانی ندارد، بلکه پیامدهای جبران‌ناپذیری را از خود به جای گذاشته است؛ به گونه‌ای که گسترش انواع بیماری‌های مسری مانند کرونا، می‌تواند یکی از جنبه‌های آشکار آن باشد. یکی از پیامدهای کرونا بر زیست اجتماعی انسان‌ها، ایجاد وضعیتی غم‌بار در زندگی آنان است. در واقع، بیماری کوید ۱۹، در ایجاد و افزایش مصیبت، درد، و رنج بشر نقش داشته است؛ به گونه‌ای که روزانه انسان‌های زیادی بر اثر شدت این بیماری، جان خود را از دست می‌دهند. تراژدی انسانی‌ای که کرونا ایجاد کرده است، تنها به گرفتن جان آدمیان محدود نمی‌شود، بلکه بر جنبه‌های دیگر زیست انسان‌ها، اعم از امور سیاسی، اقتصادی-اجتماعی، و فرهنگی-مذهبی نیز تأثیر گذاشته است. کرونا، فاصله مرگ و زندگی را نسبت به گذشته بسیار نزدیک‌تر کرده است. مسئله معنا و به فکر فرو رفتن انسان‌ها درباره پرسش بنیادین هستی، یعنی مرگ و زندگی، بر اثر شیوع بیماری کوید ۱۹ با جدیت بیشتری مطرح شده است.

اکنون که کرونا پیامدهای فاجعه‌باری برای زیست انسانی داشته است، به نظر می‌رسد که با تقویت اروس و عشق به زندگی در جنبه‌های مادی و معنوی‌اش، آن‌هم در قالب هنر، می‌توان از آثار مصیبت‌بار آن کاست. چگونگی افزایش میل به زندگی، از جمله موضوع‌هایی است که متناسب با زیست اجتماعی جوامع، متفاوت است؛ برای مثال، در جامعه ایران می‌توان با تکیه بر ابعاد معنوی اروس و میل به زندگی، از دردهای انسان‌های کرونازده کاست و به این وسیله، شور زندگی را در آنان تقویت کرد.

براین اساس، نوشتار پیش‌رو، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که «کرونا چگونه در جامعه ایران به زایش تراژدی و وضعیت مصیبت‌بار یاری رسانده است؟» و «چگونه می‌توان آثار زیانبار آن را در جامعه کاهش داد؟» به‌منظور پاسخ‌گویی به این پرسش برآنیم تا در ابتدا با استفاده از مفاهیم تراژدی و اروس - به‌عنوان رویکرد نظری این نوشته پژوهشی - اثرات تراژیک و اروس‌کوید ۱۹ بر ابعاد گوناگون زیست سیاسی، اجتماعی - اقتصادی، و فرهنگی - مذهبی جامعه ایرانی را بررسی کنیم و سپس، راه‌های کاستن از پیامدهای ویرانگر این ویروس را در شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران، به‌عنوان راهنمونی فراروی دستگاه سیاست‌گذاری ایران، تحلیل و کنکاش کنیم.

۱. پیشینه پژوهش

نوشتن درباره کرونا به‌مثابه بحران، به‌دلیل تازگی موضوع و همچنین، کمبود منابع، دشوار به‌نظر می‌رسد، اما آنچه نگارندگان را بر آن داشت تا درباره کرونا بنگارند، دغدغه اندیشه‌ای درباره دو موضوع تراژدی و اروس بود که این پژوهش با بهره‌گیری از این دو مفهوم و گسترش آن به وضعیت کرونا در ایران، با رویکردی اندیشه‌ای، مشکله کرونا را بررسی کرده است. در این راستا، نوشته‌های گمپرتس (۱۳۹۹)، احمدی (۱۳۹۳)، برمن (۱۳۹۷)، گرمال (۱۳۶۷)، علوی‌تبار (۱۳۹۳)، علی (۱۳۹۵)، یگر (۱۳۶۷)، حمیدی و قادری (۱۳۹۸)، از جمله آثاری بودند که تکه‌های جورچین ترکیبی رویکرد نظری نوشتار حاضر را تکمیل کرده‌اند. از آنجاکه در رویکرد نظری، هیچ منبعی یافت نشد که مفاهیم به‌کاررفته در پژوهش حاضر را به‌طور کامل پوشش دهد، از منابع و آثار گوناگونی برای رسیدن به این هدف، بهره گرفته شد. همچنین، افزون‌بر آثار پیش‌گفته، (آرنسدورف^۱، ۲۰۰۹) از جمله آثاری بود که بحث‌هایی از نیچه درباره تراژدی را فراروی این متن پژوهشی قرار داد، اما منابع پرشماری نیز در متن مقاله به‌کار گرفته شده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به آثار نصیری‌حامد (۱۳۹۹)، فیرحی (۱۳۹۹)، خلیلی (۱۳۹۹)، چیت‌ساز (۱۳۹۹)، دولت‌آبادی و سیف‌آبادی (۱۳۹۹)، و ایمانی جاجرمی (۱۳۹۹)، اشاره کرد که بیشتر آن‌ها در سال ۱۳۹۹ به‌چاپ رسیده بودند. هر یک از نوشته‌های یادشده، یکی از بخش‌های مربوط به پیامدهای کرونا را - که در متن مقاله مطرح شده‌اند - پوشش داده‌اند؛ برای مثال، نتایج پژوهش نصیری‌حامد (۱۳۹۹)، در بخش

پیامدهای اقتصادی - اجتماعی کرونا به‌کار رفته است یا نوشته‌های خلیلی (۱۳۹۹)، دولت‌آبادی و سیف‌آبادی (۱۳۹۹)، و عباسی (۱۴۰۰) در غنا بخشیدن به بحث‌های مربوط به پیامدهای سیاسی کرونا مؤثر بوده‌اند و اثر انگلیسی آگامبن^۱ (۲۰۲۰) نیز در بخش پیامدهای سیاسی کرونا و برای توضیح رابطه دولت‌ها با ایجاد وضعیت استثنا در فرایند شیوع کرونا، مورد توجه بوده است. افزون‌براین، آثار بورل (۱۳۹۲)، فیرحی (۱۳۹۹)، و علوی‌تبار (۱۳۹۳)، در بخش تبیین پیامدهای فرهنگی-مذهبی کرونا مورد استفاده قرار گرفتند. همچنین دوباره، از اثر علوی‌تبار (۱۳۹۳)، و منوچهری (۱۳۹۹) در بخش راه‌های برون‌رفت از وضعیت تراژیک کرونا با تکیه بر اروس زندگی محور استفاده شده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

رویکرد نظری این نوشته با محوریت دو مفهوم تراژدی و اروس سازماندهی شده است که در ادامه بررسی شده‌اند.

۲-۱. تراژدی

در واقع، با ظهور تراژدی، اساطیر دیگر قصه و حکایتی دربارهٔ سلحشوری‌ها یا تحقق آرمان‌های بشری به‌شمار نمی‌آمدند، بلکه نوعی تفکر و تعقل دربارهٔ رخدادهای خاص محسوب می‌شدند (گریمال، ۱۳۶۷: ۷). تراژدی معمولاً در چهار بستر رخ می‌دهد: ۱) در قلمرو حکومت، قدرت سیاسی، و نظامی شاهان؛ ۲) در قلمرو دینی، پیشگویان، عالمان، و روحانیان؛ ۳) در روابط اجتماعی و خانوادگی؛ ۴) در تجربه زمینی همه انسان‌ها چون مرگ، زندگی، و... (ذبیح‌نیا عمران، ۱۳۸۷: ۱۷).

«تراژدی ایرانیان»، اثر آیسخلوس، یکی از مشهورترین تراژدی‌های یونان باستان است. آیسخلوس، این نمایشنامه را به‌سبب شکست ایرانیان در نبرد سالامیس نوشته و در پی آن است که به مردم هشدار دهد که مبادا مانند ایرانیان، دچار غرور شوند؛ زیرا کیفر غرور، فروپاشی کامل است (یگر، ۱۳۷۶، ج: ۱، ۳۲۳). آیسخلوس در «تریلوژی اورستیا»، ماجرای قتل آگاممنون توسط همسرش کلوتمنسترا را شرح می‌دهد. او می‌گوید، همین‌که کلوتمنسترا به یاری معشوقش، شوهرش را به‌قتل رساند، اورستس به فرمان آپولون، خدای دلفی، به انتقام خون

پدرش، مادرش را به قتل رساند، اما تحت تعقیب ارواح انتقام قرار گرفت و به پرستشگاه دلفی پناه برد و سرانجام، آتنا، الهه پشتیبان شهر آتن، میانجیگری کرد و او را از گناه مبرا ساخت (گمپرتس، ۱۳۹۹، ج ۲: ۵۴۰).

درواقع، شاعران تراژدی پرداز، سرنوشت غم بار انسان و پایان بد آن را اصل و بنیاد تراژدی ساخته اند. با بررسی تراژدی های به هم پیوسته آیسخلوس که با عنوان «تریلوژی» ارائه شده است، مشخص می شود که مسئله مهم برای شاعر، شخص نیست، بلکه مسئله سرنوشت است. در اینجا یکی از مسائل مهم، کشف بدبختی آدمی و تقصیر خود او است. همچنین، در نمایشنامه «هفت تن بر ضد شهر تب» آیسخلوس، هنگامی که دو پسر اودیپوس به دلیل گناه پدر از پای درآمدند، الهه های نفرین، سرود پیروزی سردادند. درفش پیروزی الهه غرور و ابله‌ی، بر بالای دروازه آنجا که آن دو برادر از پای درآمدند و دمون سرنوشت بر هر دو پیروز شد، برافراشته گردید (یگر، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۴۷-۳۴۲). سوفوکلس نیز بر این باور است که سرنوشت آدمیان را تقدیر الهی معین می کند. او در برابر آثار دهشت انگیز و ظالمانه سرنوشت، شگفت زده است و می گوید: «زاییده نشدن، بزرگ ترین نعمت هاست» (گمپرتس، ۱۳۹۹، ج ۲: ۵۴۲). در تراژدی «آنتیگونه» سوفوکلس، نفرین ناشی از گناه، به عنوان علت نهایی سیاه روزی خانواده، از دور نمایان است. آنتیگونه، بر پایه طبیعتش، محکوم به درد کشیدن است؛ زیرا درد کشیدن، مظهر اشرافیت ذاتی اوست (یگر، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۷۵). اورپید نیز همسو با سوفوکلس، در قالب دوبیتی ای که در مورد تراژدی می سراید، می گوید: «کودک نوزاد را به سبب مصیبتی که در انتظارش است، باید با ناله و اندوه به پیشواز رفت و در ادامه نیز عنوان می کند که هنگامی که مرگ فرارسید و رهایی اش بخشید، باید سرود نشاط انگیز، بدرقه راهش به گورستان کرد» (گمپرتس، ۱۳۹۹، ج ۲: ۵۴۳). اورپید همچنین، بیماری های روح آدمی را که ریشه در دنیای غرایز دارند، نیروهای سازنده سرنوشت به شمار آورد و به این ترتیب، برای تراژدی، امکان ها و راه های تازه ای گشود. او در نمایشنامه های «مده آ» و «هیپولوتوس» از آثار مصیبت بار غریزه جنسی و پیامدهای سرکوب آن پرده برداشت و در نمایشنامه «هکابه» نشان داد که چگونه مصیبت کشی بیش از حد، سیرت آدمی را تباه می کند (یگر، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۷۴). پرودیکوس سوفسطایی نیز نظری بدبینانه به زندگی داشت. او مرگ را همچون طلبکاری سنگدل وصف می کرد که هر بار، گروی از بدهکار مقصر می رباید؛ یعنی روزی بینایی چشم و روز دیگر، شنوایی گوش و باز روزی دیگر، توانایی حرکت اعضا را می ربود. به هر روی، نتیجه

نهایی‌ای که او از حکمت بدبینانه خود گرفت، این است که کار را بر لذت ترجیح می‌داد (گمپرتس، ۱۳۹۹: ۴۴۶).

مفهوم تراژدی در دوران مدرن نیز در افکار نیچه و شوپنهاور نمود یافت. ماهیت زندگی در دوره مدرن، به دلیل سرشت تناقض‌گونه مدرنیته، به زایش تراژدی یاری رسانده است؛ به‌عنوان نمونه، فاوست، شخصیت محوری مورد نظر گوته، نیز ذاتی تراژیک دارد (برمن، ۱۳۹۷: ۵۴). به‌هرروی، اهمیت مسئله مذهب، ضدعقل‌گرایی، و عقلانیت سیاسی در نگرش سوفوکلس، در دوره مدرن به‌وسیله نیچه تشخیص داده شد. عمیق‌ترین منبع فلسفی پست‌مدرنیسم در حمله نیچه به سنت لیبرال غربی، عقلانیت دموکراتیک، و در لحظه‌ای، به جهان پست‌مدرن بود. در واقع، نیچه امتداد عظمت قهرمانان سوفوکلس و آیسخلوس است که بر ضد عقلانیت متعصبانه و خوش‌بینی به جهان‌بینی علمی‌ای استدلال کرد که به‌وسیله سقراط ایجاد شده بود. جهان‌بینی تراژیک ایجادشده توسط آیسخلوس و سوفوکلس، به‌گونه‌ای صادقانه با جهان روبه‌رو می‌شود و آن را به‌صورت حقیقتی مبتنی بر بی‌نظمی و ظلم می‌بیند (آرنسدورف، ۲۰۰۹: ۲). نیچه در فراسوی خیر و شر، با اذعان به ویژگی تراژیک و متناقض‌نمای مدرنیته بر این نظر است که «در این نقاط عطف تاریخ است که مجموعه متنوع و باشکوهی... از فرایندهای رشد و جوشش چسبیده و غالباً گره‌خورده به یکدیگر رخ می‌نمایند... و گونه‌ای تخریب و خودتخریبی سترگ که ثمره خودپرستی‌هایی است که به‌گونه‌ای خشن با یکدیگر ستیز می‌کنند، منفجر می‌شوند» (برمن، ۱۳۹۷: ۲۵)؛ بنابراین، به نظر نیچه، این ذات معماگونه مدرنیته، خود به زایش تراژدی و مصیبت برای انسان‌ها منجر می‌شود.

از دیدگاه شوپنهاور نیز، جهان به‌سبب ذات و سرشت شرورانه، جولانگاه رنج است. در نگاه او، ما همچون حرام‌زادگان گنهکار به جهان آمده‌ایم و با رنجی که می‌بریم، تاوان این آلوده‌دامنی را پرداخت می‌کنیم. شوپنهاور، انسان را تنها جانوری معرفی می‌کند که بی‌دلیل، رنج به جان دیگران می‌اندازد. بنیاد نگرش انسان‌شناسانه او این است که در دل هر انسانی، دیوی خفته است که تنها در انتظار فرصتی است تا به فرد حمله کند و به دیگران، درد وارد آورد یا اگر سر راهش قرار گیرد، آن را بکشد (حمیدی و قادری، ۱۳۹۸: ۲۳۱). به‌هرروی، به نظر شوپنهاور، این جهان، عالمی است که انسان در آن به خوشبختی نمی‌رسد و انسانی سعادت‌مند است که زودتر بمیرد و به‌این معنا، اگر فردی در این عالم زود بمیرد، سعادت بزرگی نصیبش شده است (علوی‌تبار، ۱۳۹۳).

۲-۲. اروس

فیلسوفان معاصر، به منظور تشریح مفهوم عشق، از تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای در یونان باستان بهره برده‌اند؛ یکی به معنای اروس^۱، یا عشق جنسی، که رانه‌های جنسی در آن تأثیرگذارند؛ به‌گونه‌ای که عاشق، معشوق را مملوک خویش می‌شمارد و از تن مادی او بهره می‌برد؛ دیگری به معنای فیلیا^۲، یا دوستی و پیوند عاطفی بین دو طرف است که لازمه آن، مقداری خیرخواهی و به رسمیت شناختن طرف دیگر (مانند دوستی میان والدین و فرزندان، و...) است؛ و سرانجام، آگاپی^۳، معنای سوم آن است که در زبان لاتین به آن «کاریتاس» می‌گفتند؛ یعنی عشقی که در آن عاشق، خود را به پای معشوق ذبح می‌کند و با او یکی می‌شود و به همین سبب، به آن عشق خویشتن‌گریز لقب داده‌اند (بهبهانی، ۱۳۹۶: ۳۵).

افلاطون، دیونوسوس و اروس را در خدمت نیروی تربیتی خویش قرار می‌دهد. به نظر افلاطون، همه نیروهای غریزی طبیعی باید خدمتکاران طبیعت باشند. در واقع، نظریه افلاطون درباره اروس، کوششی شهادت‌آمیز برای بستن پلی میان دیونوسوس و آپولون بود. او بر این نظر بود که اگر آدمی به وسیله نیروهای غریزی و غیرعقلانی محصور شود، نمی‌تواند به موقعیتی برسد که از نیروی برتر زیبایی و ایده بهره‌مند شود؛ پس مهمانی افلاطون، بر پایه اتحاد عشق و تربیت یا همان اروس و پایدیا مبتنی است. در واقع افلاطون، اروس را به عنوان عنصری برای حرکت به سوی امری متعال در نظر گرفته است (یگر، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۱۹).

در نگرش آریستپ، از متفکران مکتب کورنایی، لذت، بنیان وضع قواعد و مقررات مربوط به رفتار و زندگی انسانی است. به نظر او، لذت باید همیشه و در همه جا نیک به‌شمار آید. همچنین، به نظر او، حکمت نه به‌خودی‌خود، بلکه همچون وسیله‌ای برای رسیدن به غایت، یعنی بیشترین حد لذت، دارای ارزش است (گمپرتس، ۱۳۹۹، ج ۲: ۷۵۲-۷۵۰). به‌هر روی، راهکار آریستپ برای رهایی از درد و رنج، یا همان وضعیت تراژیک، لذت بردن از زندگی است. البته تفسیر لذت در نگرش متفکران مکتب کورنایی، به قوه عقلی انسان‌ها بستگی دارد.

در دوره مدرن نیز، شوپنهاور، دو اصل برای رهایی از شر فی نفسه ارائه می‌دهد که یکی موقت، و دیگری دائمی است. راه موقت آن، هنر است. ما از طریق هنر می‌توانیم بر اراده فی نفسه غلبه کنیم.

1. Erosee
2. Philia
3. Agapy

هنر می‌تواند میل به خوشبختی موقتی را برای انسان فراهم کند؛ به این معنا که زمانی که انسان، ادراک زیبایی شناختی و هنری انجام می‌دهد، خود را رها کرده است. این رهایی، سبب لذت و خوشبختی می‌شود. راه‌حل دوم شوپنهاور، اخلاق و زهد است. شوپنهاور می‌گوید، اگر بین انسان‌ها رابطه شفقت برقرار شود، از عالم کثرت به عالم وحدت می‌رسند. در واقع، رفتن از عالم فنومن به نومن، نوعی مبارزه با اراده است (علوی تبار، ۱۳۹۳). در نظریه‌های فروید، همان‌گونه که اصل لذت، نماینده غریزه زندگی یا اروس است، اصل نیروانا، نماینده غریزه مرگ است. به‌باور او، غریزه مرگ، تلاشی است برای بازگشت موجود زنده به حالت آرامش همیشگی و جاودان. به نظر او، این غریزه در تمام موجودات زنده وجود دارد (با هدف شکست زندگی و برگرداندن آن به حالت غیرزنده خود و وضعیت ماده غیرزنده) (علی، ۱۳۹۵: ۱۲۸).

هایدگر نیز برای برون‌رفت از وضعیت تراژیک و همراه با غم و درد جهان، به آفرینش هنری روی می‌آورد. به نظر او، اثر هنری، هستی خویش را آشکار می‌کند و حقیقت نیز همان آشکارگی است. به نظر هایدگر، شعر به‌عنوان گونه‌ای از آفرینش، آشکارکننده راز هستی و رهایی از جهان انتیک است. جهان انتیک، دنیای هر روزه آدمی است که شعر از این دنیا گذر می‌کند و به ورای آن سیر می‌نماید (احمدی، ۱۳۹۳: ۵۵۷). در وجهی دیگر، آلبرکامو نیز بر ضرورت و اهمیت توجه به هنر به‌منظور رهایی از وضعیت تراژیک تأکید می‌کند. به نظر او، پاسخ مسئله رنج در جهان، عصیان است. با عصیان می‌توانیم از پوچی رهایی پیدا کنیم. به نظر او، نیست‌انگاری، نتایج وحشتناکی را برای انسان مدرن در پی داشته است و خاصیت آن این است که نیروی آفرینندگی را در هسته طغیان خفه می‌کند؛ بنابراین، به نظر کامو، طغیان اصیل آن است که نه با نیست‌انگاری، بلکه با آفرینش همراه باشد. از دیدگاه او، چنین امری تنها از طریق هنر امکان‌پذیر است (منوچهری، ۱۳۹۰: ۵۴)؛ بنابراین، در این نوشتار سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از دو مفهوم تراژدی و اروس، اثرات کرونا بر ابعاد گوناگون زیست انسانی با محوریت جامعه ایران واکاوی، و راهکارهایی برای کاستن از درد و رنج ناشی از این بیماری در قالب بایسته‌هایی برای کارگزاران سیاسی کشورمان مطرح شود که در ادامه بررسی شده‌اند.

۳. همه‌گیری کرونا و زایش وضعیت تراژیک

همه‌گیری ویروس کرونا در جامعه ایران، پیامدهای ویرانگر و دردناکی داشته است که در ادامه در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی-اجتماعی، و فرهنگی-مذهبی بررسی شده‌اند.

۱-۳. پیامدهای کرونا در عرصه سیاسی

دولت‌ها در عرصه سیاسی، نقش بسیار مهمی در تصمیم‌سازی برای حوزه‌های دیگر زیست انسانی ایفا می‌کنند. این نقش‌آفرینی هم می‌تواند سازنده باشد و هم ویرانگر، اما در تبیین انسانی دلیل شیوع کرونا، دو سناریو محتمل است؛ سناریوی نخست، بحث بیوتورویسم را مطرح می‌کند و در سناریوی دوم، گسترش ویروس، واکنشی طبیعی به مداخله بی‌حد و حصر انسان در تخریب محیط زیست، گازهای گلخانه‌ای، آلودگی آب‌وهوا، و... است (چیت‌ساز، ۱۳۹۹: ۱۵۴)؛ این دو سناریو می‌تواند گویای نقش ویرانگر دولت‌ها باشد. افزون‌براین، دولت‌ها پس از همه‌گیری کرونا می‌توانند جهانی بسته‌تر، کم‌رونق‌تر، و کمتر آزاد بسازند؛ به بیان روشن‌تر، ترکیب ویروسی‌کشنده با نابسندگی برنامه‌ریزی‌ها و بی‌کفایتی رهبران، بشر را به مسیری جدید و نگران‌کننده سوق داده است؛ به گونه‌ای که ضعف و ناکارآمدی دولت‌ها در همه جهان شایع خواهد شد (خلیلی، ۱۳۹۹: ۹۲)؛ پس امروزه ما را دولت‌هایی اداره می‌کنند که قدرت سیاسی بی‌سابقه‌ای برای تأثیرگذاری، گاه ویرانگر، بر زندگی ما دارند و آن را به شیوه‌های پرشماری تحت انضباط درمی‌آورند (میلر، ۱۳۸۷: ۳۶).

در ایران نیز تأثیرگذاری دولت، مانند نقاط دیگر جهان، بر تمام ابعاد زیست انسان‌ها محسوس است. تا پیش از همه‌گیری ویروس کرونا، مسئولان جمهوری اسلامی، پیوسته اثر تحریم‌ها را ناچیز و کوچک می‌شمردند و حتی از آن به‌عنوان یک فرصت (روحانی، ۱۳۹۸/۶/۱۲) و گاهی هم نمایش تبلیغاتی یاد می‌کردند (واعظی، ۱۳۹۸/۱/۱۲). به بیان روشن‌تر، تحریم یک تجربه شکست‌خورده و سست‌تر از هر زمانی بود که نمی‌توانست بر اراده مردم و مسئولان کشور تأثیر بگذارد؛ بنابراین، همواره توصیه می‌شد که آمریکا از راهی که در پیش گرفته است، بازگردد و طرفین برجام، به تعهدات خود عمل کنند (۱۳۹۸/۷/۵). با شناسایی نخستین مورد ابتلا به بیماری کرونا در شهر قم، روند انتقاد از آمریکا به سبب تحریم‌هایی که دسترسی به کالاهای بهداشتی را ناممکن کرده بودند، بالا گرفت. مسئولان، تحریم‌ها را خطری برای نظام سلامت و بهداشت مردم دانستند و از آن به‌عنوان اقدامی تروریستی یاد کردند (روحانی، ۱۳۹۸/۱۲/۴)؛ بنابراین، دستگاه دیپلماسی ایران، وارد دور تازه‌ای از فعالیت‌ها شد که محور آن، برجسته‌سازی اثر تحریم‌ها بر نظام سلامت کشور و نقش آمریکا در این عرصه بود. از این پس، واژه تروریسم پزشکی — که براساس آن طوفان توئیتری به راه افتاد — بسیار مورد توجه مسئولان قرار گرفت (باقری دولت‌آبادی و شفیع‌سیف‌آبادی،

۱۳۹۹: ۲۵). به عبارتی، شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که تحریم‌های ازپیش‌وضع شده بر اثر خصومت دولت آمریکا، با همه‌گیری ویروس کرونا، اثرات عمیق‌تر و به‌مراتب ویرانگرتری را بر مویرا یا همان سرنوشت مردم از خود برجای گذاشت و رنج و درد آنان را با افتادن در دام این ویروس وحشی که هیچ راه‌گزینی از آن نبود تشدید کرد.

همچنین، در بحبوحه بحران کرونا، دو دولت ایران و آمریکا با استفاده از تاکتیک اهریمن‌سازی، درصدد بودند که هریک، دیگری را مسئول مصیبت و دردهایی معرفی کنند که برای مردم ایران، تراژدی بسیار غمباری را رقم زده است. در واقع، این اقدام، تأییدگر این مطلب است که دو دولت با اذعان به ارادی بودن درد و مصیبت تراژیک ناشی از کرونا که به مردم تحمیل شده است، هریک، دیگری را عامل این سرنوشت دردناک معرفی می‌کردند. گفتنی است، بخشی از اعمال فشار تحریمی از سوی آمریکا که سبب تشدید تراژدی غمبار مردم ایران (به‌شکل مرگ‌های سفید و دسته‌جمعی روزانه) شد، به شخصیت روان‌پریش و ناهنجار ترامپ مربوط می‌شد. در واقع، رفتارهای ناهنجار ترامپ در تحمیل درد و رنج و مصیبت نیز ضمن گرفتن جان بسیاری از انسان‌ها، مشکلات اقتصادی و فقر را تشدید کرد.

در واقع، در روزهای آغازین گسترش بیماری کرونا، با وجود هشدارهای سازمان جهانی بهداشت، سیاست بیشتر دولت‌ها، بی‌اعتنایی، انکار، و کوچک شمردن مسئله بود؛ موضوعی که سبب گسترش بیماری در میان مردم شد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۹: ۸۹)؛ به‌هرروی، این موضوع خود، تأییدگر این است که اقدامات انسانی در قالب دولت‌ها و نه سرنوشت محتوم و جبری، سبب‌ساز بروز تراژدی کرونا شده است.

همچنین، دولت‌ها ممکن است در راستای نقش مخربی که دارند، با بهره‌گیری از شرایط کرونا، وضعیت استثنا ایجاد کرده و به این بهانه، محدودیت‌های زیادی را فراروی آزادی‌های مدنی شهروندان قرار دهند. جورجو آگامبن، فیلسوف ایتالیایی، با تمرکز بر وضعیت ایتالیا توضیح می‌دهد که چگونه حکومت‌ها به بهانه ویروس کرونا، نوعی وضعیت استثنائی برای اداره امور ایجاد کرده‌اند. او می‌گوید، مردم، محدودیت‌هایی را که اکنون حکومت‌ها بر آزادی تحمیل می‌کنند، می‌پذیرند؛ آن‌هم به‌نام میل همگانی به ایمنی. درحالی‌که این میل، دست‌ساخته خود حکومت‌هایی است که اینک برای برآورده کردن آن، وارد عمل شده‌اند (آگامبن، ۲۰۲۰)؛ بنابراین، در زمانه‌های بحران و آشوب، دولت‌ها به بهانه نگاهداشت امنیت، زمام امور را در دست می‌گیرند.

افزون براین، با همه‌گیر شدن کروناویروس، این فرض بدبینانه قدیمی گسترش یافت که ممکن است دولت‌ها با به‌هم پیوستن روبه‌روی جهانی شدن، موضع بگیرند (خلیلی، ۱۳۹۹: ۱۷۳). به‌رروری، یکی از مشکلات جدی‌ای که ممکن است بر اثر گسترش بیماری کرونا در زیست سیاسی ایران رخ دهد، ایجاد وضعیت استثنا توسط دولت است؛ وضعیتی که دولت ممکن است با بهره‌گیری از موضوع ضرورت قرنطینه‌سازی یا قطع زنجیره همه‌گیری کرونا، تلاش کند تا اقتدار خود را به‌ضرر آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم گسترش دهد. از آنجاکه دولت‌ها در عرصه سیاسی محوریت دارند، تصمیم‌های آنان در کنترل یا گسترش کرونا و ایجاد محدودیت برای آزادی انسان‌ها به بهانه کرونا، بسیار تعیین‌کننده است. حتی بحران کرونا در عرصه جهانی نیز ممکن است، تک‌روی دولت‌ها و خروج آن‌ها از پهنه جهانی شدن را تسریع کند؛ بنابراین، در پیش‌گرفتن ترتیبات سیاسی به‌وسیله دولت‌ها می‌تواند در مدیریت بحران کرونا یا شاید تشدید بحران، مؤثر باشد.

۲-۳. پیامدهای کرونا در عرصه اقتصادی-اجتماعی

کروناویروس، در عرصه اقتصادی-اجتماعی، سبب بروز دشواری‌هایی مانند شدت‌گیری مشکلات اقتصادی از پیش موجود، بی‌توجهی افراد به رعایت پروتکل‌های بهداشتی، بی‌اعتمادی مردم به دولت، و تأثیر منفی بر شاخص‌های توسعه انسانی شده است.

درباره شدت‌گیری مشکلات اقتصادی از پیش موجود باید گفت، ایران در شرایط کنونی نیز هم‌پای مشکل بیماری، با دشواری‌های دیگری، به‌ویژه در عرصه اقتصاد روبه‌رو است که متأثر از دو عامل مهم سردرگمی درونی و نیز فشار بیرونی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی است. افزون بر مسائلی همچون ناهماهنگی‌های سیاست‌گذاری و نیز ناکارآمدی بوروکراتیک، ایران در یکی از دشوارترین مقاطع تاریخی خود، به‌لحاظ اقتصادی و معیشتی، گرفتار ویروس کرونا شده است. پس از موفقیت‌های نسبی ایران در مهار موج فزاینده بیماری تا حدود میانه بهار ۱۳۹۹، عوامل گوناگونی سبب عادی‌سازی و ازسرگیری فعالیت‌های اقتصادی، اعم از تولیدی و خدماتی، شد و همین امر موجب شد تا کشور از حدود نیمه دوم بهار، موج خیزشی دیگری از بیماری را تجربه کند (نصیری‌حامد، ۱۳۹۹: ۲۴۴).

گفتنی است، گسترش کروناویروس، گسل‌های بحران اقتصادی، تورم، و مشکلات معیشتی مردم را به‌شدت عمیق‌تر کرده است و در اینجا نیز ذکر این نکته خالی از لطف نخواهد

بود که اعمال کارگزاران سیاسی و تصمیم‌های ارادی آنان، در بروز مشکلات اقتصادی و افزایش سطح تحریم‌ها بی‌تأثیر نیست؛ به‌گونه‌ای که گسترش این بیماری، که بر بستر گسل‌های خودخواسته رخ می‌دهد، وضعیت اقتصادی را به‌شدت بحرانی کرده است. همان‌گونه که در تراژدی، مسئله درد است که انسان را آزار می‌دهد، در شرایط کنونی جامعه ایران نیز، کرونا و بحران اقتصادی، دردهای بی‌شماری را به‌جان مردم انداخته است.

رعایت نکردن پروتکل‌های بهداشتی توسط افراد، یکی دیگر از پیامدهای اقتصادی-اجتماعی گسترش کرونا به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۹۹، علیرضا رئیسی، سخنگوی ستاد ملی مقابله با ویروس کرونا، در گزارشی از کاهش رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی (که به پایین‌ترین سطح خود، یعنی ۴۲ درصد رسیده بود) به‌شدت ابراز نگرانی کرد (رئیسی، ۱۳۹۹). در این راستا، متخصصان به مردم توصیه کردند تا فاصله‌گذاری اجتماعی را داوطلبانه انجام دهند. با این حال، هنوز افرادی پیدا می‌شوند که بدون توجه به این هشدارها، در پارک‌ها و مکان‌های عمومی جمع شده و فهم درستی از فاصله‌گذاری اجتماعی ندارند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۹: ۸۹). می‌توان گفت که در یک سال اخیر، الهه جهل و غفلت و سهل‌انگاری، همواره عموم مردم را فریفته است؛ به‌گونه‌ای که آنان پس از یک دوره رعایت پروتکل‌های بهداشتی، به‌ناگاه دچار غفلت و ساده‌انگاری پدیده دهشتناک کرونا شده و حتی بسیاری از آنان بر اثر چیرگی الهه جهل و غفلت به‌کلی منکر وجود این ویروس شده‌اند. در واقع، بروز موج ترسناک سوم کرونا و مرگ روزانه چهارصد نفر در روز در آبان ۱۳۹۹، خود به‌درستی گویای این امر است. دوره‌های خانوادگی، بیشترین نقش را در پدیدار شدن فاجعه‌ای دردناک در قالب موج سوم کرونا ایفا کرد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از خانواده‌ها با ساده‌انگاری بیماری کوید ۱۹، سرنوشتی تراژیک و مصیبت‌بار را برای خود رقم زدند.

در بیماری کرونا، قاتل مشخص نیست، همچنین، معلوم هم نیست که چه کسی ویروس را به اطرافیان خود انتقال داده است که قصاص شامل او شود؛ بنابراین، در قالب مرگ کرونایی، مقتول یا مقتولان مشخص و قاتل یا قاتلان نامشخص هستند. به‌هر روی، جمع قاتلان انتقال‌دهنده ویروس، به‌دلیل ناشناخته ماندن یا در صورت شناخته شدن، به‌دلیل ملاحظات انسانی و عاطفی، پیش از رفتن به یک مرجع قانونی، از قصاص تبرئه می‌شوند.

یکی از موضوع‌های اجتماعی‌ای که در جامعه ما به‌عنوان یکی دیگر از پیامدهای اقتصادی-اجتماعی کرونا در مورد عملکرد دولت در بحران کرونا مشهود است، بی‌اعتمادی اجتماعی است. هرچند بر پایه نظر سنجی شهرداری تهران، این میزان بی‌اعتمادی با گذشت

زمان، از ۵۶ درصد به ۴۶ درصد رسیده است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۹: ۹۲)، اما باید خاطرنشان کنیم که سایه سنگین این بی‌اعتمادی بر عملکرد مسئولان، هنوز رخت برنسته است و در شرایط فعلی که واکسن کرونا وارد ایران شده است نیز هنوز بسیاری در مورد اثربخش بودن آن تردید دارند. درحالی‌که واکسن کرونا توسط تعدادی از کشورها کشف شده است، بسیاری از مردم جامعه ما حاضر نیستند تا ابدیت یا همان زندگی این جهانی، خود را به دستان احتمالاً خطاپذیر پزشکان بسپارند تا واکسن به آنان تزریق شود. این نگرانی، ناشی از خطاهای انسانی است که در مدت شیوع یک‌ساله این بیماری، چه از سوی مردم و چه از سوی متخصصان، روی داده و سرنوشت غمباری را برای آنان رقم زده است.

کرونا، افزون بر شدت‌گیری بحران اقتصادی، ساده‌انگاری آن توسط مردم، و بی‌اعتمادی مردم به عملکرد مسئولان دولتی، بر روند توسعه انسانی نیز تأثیر منفی داشته است. این ویروس تاج‌دار و مستبد، به تهیدستان و حاشیه‌نشینان، آسیب بیشتری وارد می‌کند، چون آن‌ها ناچارند برای گردش چرخ زندگی کار کنند و دسترسی کمتری به مراقبت‌های بهداشتی و نیاز بیشتری به استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی دارند (روند و موانع توسعه در ایران معاصر، ۱۳۹۹). افزون‌براین، کرونا ویروس در حوزه سلامت جسمی و روانی، آسیب‌هایی را در پی داشته است؛ به‌گونه‌ای که در عرصه سلامت جسمی، مسائلی همچون فقر، گرسنگی، تشنگی، کمبود مواد مغذی، کاهش ایمنی بدن، معیشت و رفاه، کار، اشتغال، تولید، و... در عرصه سلامت روانی نیز ناهنجاری‌هایی مانند نگرانی، اضطراب، افسردگی، درماندگی، ناامیدی، خشم، عصبانیت، و... بروز یافته است (خسروی، ۱۳۹۹: ۲۰۴).

بنابراین، کرونا در حوزه اقتصادی-اجتماعی به زایش و فعال کردن بسیاری از مشکلات مانند، شدت‌گیری بحران اقتصادی، فقر، بی‌اعتمادی به دولت، بروز آسیب‌های روحی و روانی، و... کمک کرده است.

۳-۳. پیامدهای کرونا در عرصه فرهنگی-مذهبی

همه‌گیری کرونا در حوزه فرهنگی-مذهبی، مسائل پرشماری را پدید آورد، که به‌تعلیق درآوردن فعالیت‌های فرهنگی-هنری، ترویج نگاه قضاوقدری، تأثیر دوسویه بر مراجع دینی و دین‌داران، شکل‌گیری قالب جدید مراسم دینی، به‌روز شدن فقه، یادآوری مسئله مرگ، ایجاد تردید در مورد کارکرد مؤثر دین، و اعتقاد به نوعی پایان، از آشکارترین این مسائل به‌شمار می‌آیند.

به‌تعلیق درآمدن فعالیت‌های فرهنگی-هنری، به‌عنوان یکی از آثار فرهنگی-مذهبی همه‌گیری کرونا، سبب شد که بسیاری از مصارف فرهنگی، تفریح‌ها، و فعالیت‌های فرهنگی و هنری مانند رفتن به سینما، تئاتر، موزه‌ها، حضور در گالری‌های نقاشی، و... که مردم، اوقات فراغت خود را با آن پر می‌کردند، متوقف شود یا به حالت تعلیق درآید، و در مقابل، انواع جدیدی از فعالیت‌های فرهنگی در بین مردم در حال شکل‌گیری و گسترش است که از جمله آن‌ها می‌توان به اکران آنلاین فیلم‌های سینمایی و تئاتر، برگزاری کنسرت‌های آنلاین، استفاده از بسترهای آنلاین نمایش فیلم، و... اشاره کرد که نشان‌دهنده دگرگونی بنیادینی در حوزه فرهنگ است. به‌دلیل تعطیلی مراکز فرهنگی و هنری، فعالان آن، اعم از صنعت سینما، تولید، و... با مشکلات بسیاری دست‌به‌گریبان هستند و زیان‌های هنگفتی را متحمل شده‌اند (تأثیر کرونا بر حیات فرهنگی، ۱۴۰۰).

ترویج نگاه قضاوقدری، یکی دیگر از پیامدهای فرهنگی-مذهبی کرونا است. در این راستا، نسبت دادن بیماری به قضاوقدر و نشانه خشم خداوند، پیشینه تاریخی داشته است؛ چنان‌که هنگامی که وبا در شهر اصفهان گسترش پیدا کرد، تحلیل برخی افراد این بود که این بیماری، نشانه‌ای از خشم خدای متعال از آن‌هایی است که فرزندان خود را در مدرسه‌های مسیحیان ثبت‌نام کرده‌اند و تربیت آن‌ها را به مبلغان مسیحی سپرده‌اند؛ یا در مشهد می‌گفتند که دلیل گسترش وبا این بوده است که برای روشنایی حرم امام رضا، به‌جای شمع و روغن، از لامپ‌های الکتریکی استفاده شده است (بورل، ۱۳۹۲: ۱۷ و ۱۵).

تأثیر دوسویه بر مراجع دینی و دین‌داران، یکی دیگر از پیامدهای فرهنگی-مذهبی کرونا است. ویروس کرونا در ایران، سبب تعطیلی مکان‌های مقدس مذهبی، مانند آستان‌های مقدس امام رضا در مشهد، حضرت معصومه در قم، شاه‌چراغ در شیراز، و حضرت عبدالعظیم در شهر ری شد. هرچند واکنش رهبران دینی و دین‌داران به این موضوع، تأیید و همراهی با دستورهای مقامات بهداشتی بوده است، با واکنش‌های دیگری نیز روبه‌رو بوده‌ایم که مخالفت خود را با تعطیلی این مکان‌ها اعلام کرده‌اند؛ برای مثال، مسئولان آستان مقدس حضرت معصومه در قم، این آستان را دارالشفای نامیده و مدعی شدند که سازه‌های حرم، ضدباکتری بوده و نانوذرات نقره‌ای ضریح از آلودگی به‌دور است. در میان دین‌داران نیز با واکنش‌هایی چون لیس‌زدن ضریح، به‌معنای به‌دور بودن این آستان‌ها از آلودگی، و... روبه‌رو بوده‌ایم (چیت‌ساز، ۱۳۹۹: ۱۵۵).

همچنین، کرونا سبب شکل‌گیری قالب جدیدی از مراسم دینی شد؛ به‌گونه‌ای که با پیدایی کرونا، شاهد ایجاد قالب‌های جدیدی در مسئله دین‌داری نیز هستیم؛ یعنی منبرها و هیئت‌های دینی، به‌صورت مجازی برگزار می‌شود، یا در روزهای محرم، شاهد گردهمایی‌های دینی‌ای بودیم که با سبک و سیاق جدید و با رعایت فاصله‌گذاری‌های اجتماعی برگزار شد و اساساً مسئله بهداشت و استانداردهای بهداشتی، امری دینی به‌شمار آمد و حتی برخی از مراجع، فتوایی را در این زمینه صادر کردند و رعایت دستورهای بهداشتی را لازم دانستند. افزون‌براین، در حوزه دینی، به‌دلیل گسترش کرونا، نذرهای زیادی که در قالب اطعام ارائه می‌شدند، به‌صورت گردآوری هزینه‌ها برای کمک به نیازمندان نمود یافت (سهرابی فر، ۱۳۹۹).

به‌روز شدن نهاد مرجعیت و فقه، یکی دیگر از ویژگی‌های فرهنگی-مذهبی کرونا به‌شمار می‌آمد. فقه در مقابل مسائل ملموس، به پویایی و به‌روز شدن نیاز دارد و باید بتواند برای این مسائل، راهکار ارائه دهد و گرنه، به‌شدت دچار آسیب می‌شود. در واقع، کرونا، فرصتی برای فقه و فقیهان است تا برای بازسازی و بهسازی فقهی درون جامعه و تطبیق آن با مقتضیات زمان، اقدام کنند؛ زیرا مناسک و مکان‌های مذهبی و زیارتی، از نخستین مکان‌های جمعی در معرض این همه‌گیری‌ها هستند (عباسی، ۱۴۰۰: ۲۴۹-۲۴۸).

یادآوری لحظه‌به‌لحظه مسئله مرگ، به‌عنوان یکی از پیامدهای فرهنگی-مذهبی کرونا، تا حد بسیار زیادی، تنش‌زا است و انسان، پیوسته احساس در معرض تهدید بودن را در خود احساس می‌کند. هرچیزی که هستی انسانی را تهدید می‌کند، بی‌درنگ بحث الهیات نیز در آن بروز می‌کند. این بیماری واگیر، تنش‌های روحی‌ای را در فرد، ایمان فرد، و نسبت فرد با دیگران، به‌جای می‌گذارد (فیرحی، ۱۳۹۹).

ایجاد تردید درباره کارکرد مؤثر دین نیز یکی دیگر از پیامدهای فرهنگی-مذهبی کرونا است. تأثیر کرونا بر ایمان افراد نیز گونه‌ای شک و تردید در مورد باورهای دینی را در پی داشته است؛ به‌گونه‌ای که در عالم مسیحیت، بسیاری از کشیشان، مانند اوون استراچان، الهی‌دان آمریکایی از مکتب الهیات تثلیث انجیلی، با تشکیک‌هایی مانند اینکه هیچ امید و توضیحی در مورد فعالیت خدا در جهان وجود ندارد، روبه‌رو شد. حتی موگوتنگ موگنگ، رئیس دادگستری آفریقای جنوبی، در مصاحبه با نشریه «جرولم‌پست» به زبان الهیاتی اظهار داشت که همه‌گیری ویروس کرونا، سبب شده است که افراد با ایمان نیز شک کنند و ناگهان ایمانی که

داشته‌اند، دیگر وجود ندارد، بلکه مردم ترسیده‌اند (پیت‌یانا^۱، ۲۰۰۲).

یکی دیگر از پیامدهای کرونا در بعد فرهنگی -مذهبی، اندیشیدن به نوعی پایان است. همان‌گونه که به‌نظر هگل، تاریخ از این نظر به پایان خود رسیده است که او دیگر نمی‌خواست درباره‌ی آینده به تأمل و ژرف‌اندیشی بنشیند (گمبل، ۱۳۸۱: ۴۱)، یا شاید به پایان نرسیده‌ایم، بلکه به جایی رسیده‌ایم که به پایان می‌اندیشیم. به‌ظاهر مشکلات پزشکی، زیست‌محیطی، سیاسی، و...، نیروهای خود را متحد کرده‌اند تا به ما گوشزد کنند که قرار است یک روز نوع بشر به پایان برسد؛ این فکری بسیار دردناک است و فلسفه‌ی جدی را پیش می‌کشد (کالارد، ۲۰۲۱).

بنابراین، اگر طبق باور برخی، رواج بیماری کرونا را یک عمل ارادی برنامه‌ریزی شده بدانیم، ما همه عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی‌ای هستیم که به‌عنوان قربانیان این اراده‌ی شرور، قربانی و ویروس کرونا می‌شویم. پس این اراده‌ی خودخواسته و شرور است که تراژدی می‌آفریند و زندگی انسان‌ها را دگرگون می‌کند. افزون‌بر نگاه ارادی به مسئله‌ی کرونا، رویکرد تقدیرگرایانه‌ی نیز وجود دارد که آن را امری فراتر از اراده‌ی انسانی و منتسب به مشیت الهی می‌داند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از افرادی که دستورالعمل‌های بهداشتی را رعایت نمی‌کنند، بر این نظرند که مرگ و زندگی، دست خداوند است. اگر خدا بخواهد، ما را حفظ خواهد کرد و اگر مشیت او بر این قرار گرفته باشد که ما را ببرد، خواهد برد.

۴. راه‌های برون‌رفت از وضعیت تراژیک کرونا با تکیه بر اروس زندگی محور

گسترش ویروس کرونا به‌لحاظ سیاسی، اجتماعی-اقتصادی، و فرهنگی -مذهبی، مسائلی را ایجاد کرده است و پرسش‌های بنیادینی را نیز فراروی آدمیان قرار داده است. هرچند در کوتاه‌مدت ممکن است، نسخه‌ای شفاف‌بخش برای ریشه‌کن کردن این ویروس ویرانگر وجود نداشته باشد، اما باید با محور قرار دادن عشق (در وجوه مادی و معنوی آن) در دستورکار دستگاه سیاست‌گذاری ایران، اقدامات چندگانه‌ای در ابعاد گوناگون زیست انسانی انجام شود تا ضمن افزایش تاب‌آوری روان‌های رنج‌کشیده‌ی انسانی، نوعی گرایش و علاقه به زندگی در انسان‌ها تقویت شود.

شاید بدیهی‌ترین فرمول مقابله با کرونا، کند کردن چرخ زندگی اجتماعی برای کاستن از بار بیماری و جلوگیری از فروپاشی نظام بهداشتی جامعه باشد (ضرورت بهره‌گیری از

ظرفیت‌های جامعه به‌منظور مقابله با بحران کرونا، (۱۳۹۹). اما به‌نظر می‌رسد، در این دوران آشنفتگی و سرگشتگی که پرسش‌های وجودشناختی و معرفتی مهمی در ذهن انسان امروزی درباره‌ی معمای زندگی و مسئله مرگ مطرح شده است، باید با بهره‌گیری از مفاهیم معنوی، شوق‌آفرین، و امیدبخش، میل به زندگی را در اعضای جامعه تقویت کنیم.

یافته‌های علمی نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین دردها و بحران‌های بشر با اهمیت یافتن نقش دین و توجه به خدا وجود دارد. پژوهش‌های گوناگونی در این‌باره انجام شده است؛ برای نمونه، برپایه‌ی نظرسنجی سایت گالوپ، باور دینی مردم آمریکا در سالی که رخداد یازده سپتامبر اتفاق افتاد، افزایش پیدا کرد. این امر نشان‌دهنده‌ی افزایش اقبال به دین در شرایط بحرانی است. در کشور ما، پدیده‌ی کرونا به‌طور موقت موجب توقف مناسک و شعائر دینی شده است، اما نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اعتقادات مذهبی مردم در این بحران افزایش یافته است. افزون‌براین، افزایش فعالیت‌های انسانی و فداکارانه‌ی نیروهای بخش درمان و همدلی و کمک‌رسانی اқشار گوناگون جامعه را شاهد هستیم که خود، تأییدگر افزایش روحیه‌ی دین‌مدارانه در این‌گونه رفتارها است. دین‌پژوهان کلاسیک بر این نظرند که نسبت میان رنج و بیماری با گرایش‌های دینی، مثبت است (کرونا دین‌داری را تقویت کرد/ نسبت رنج و بیماری با گرایش‌های دینی، ۱۳۹۹).

همچنین، رواج اروس، به‌معنای دوستی، در جامعه نیز می‌تواند در تقویت بنیان‌های ذهنی و عاطفی جامعه برای مقابله با کرونا مؤثر باشد. گفتنی است، همپاری هرچند اندک دولت به‌لحاظ اقتصادی و مالی که در برخی موارد در روزهای کرونایی به‌چشم می‌خورد، می‌تواند نشانگر ترویج عنصر شفقت و مهربانی در شرایط بحران کرونا باشد. در واقع روان‌دردمند مردم در شرایط کنونی، بیش از هر زمانی، نیازمند مهر و همدلی است؛ آن‌هم ترویج همدلی ناشی از مهر و نوع دوستی که نهادهای مرجع باید ضمن ترویج این روحیه، خود نیز در انجام آن کوشا باشند. به‌هرروی، افزایش کمک‌های انسان‌دوستانه که با مفهوم عشق، به‌معنای فیلیا، هم‌پیوند است، در جامعه ما که مبتنی بر قواعد شرعی و دینی است، رنگ‌وبوی شرعی نیز به‌خود می‌گیرد. به‌لحاظ معنوی، تحکیم بنیان دوستی و پیوندهای معنوی میان مردم در چنین شرایطی، تا اندازه‌ای از هجوم خلأهای عاطفی ناشی از گسترش بیماری خواهد کاست و روح امید و سرزندگی را در میان افراد جامعه ما تقویت خواهد کرد؛ بنابراین، تقویت مفهوم عشق به‌معنای فیلیا یا دوستی، ضمن رفع حداقلی نیازهای معیشتی بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه، توان و تاب‌آوری آنان در مقابل شرایط دردناک ناشی از کرونا را افزایش می‌دهد. براین‌اساس، ترویج عشق در قالب معنوی آن، به‌عنوان پایه‌ی سیاست‌گذاری دولت

در ایران می‌تواند راهگشا باشد.

به نظر می‌رسد، پرسش درباره شیوه‌ها و رویکردهای جلوگیری یا حل کردن معمای همه‌گیری‌ها به چیزی فراتر از آنچه دانش محدود و متفرق دوران مدرنیته اخیر می‌تواند ارائه کند، نیاز دارد؛ به این ترتیب، رهایی از خطر همه‌گیری‌ها، در خود خطر، یعنی شیوه هستی که به جهان پاندمی زده منجر شده است، نهفته است؛ بنابراین، جلوگیری یا پرهیز از همه‌گیری‌ها و دفاع از مدنیت زندگی انسانی، به این معنا است که ما به زیستن در عالمی متفاوت نیاز داریم (منوچهری، ۱۳۹۹: ۲۳). به هر روی، ایجاد ساحت هستی متفاوت و مبتنی بر عشق و امید و به دور از فناوری‌های ویرانگر می‌تواند به زایش هستی طبیعی و به دور از مناسبات ناسالم سلطه انسانی منجر شود؛ بنابراین، تلاش برای ایجاد هستی انسانی و اخلاقی‌تر و همسوتر با طبیعت - که منشأ بیماری نباشد و به آفرینش‌های هنری نیز مجال بروز دهد - می‌تواند به عنوان یک ایده آل دست‌یافتنی مورد توجه دستگاه سیاست‌گذاری (برای ایجاد بستری پاک و ایمن به لحاظ زیست‌محیطی) قرار گیرد.

شوربختانه، به دلیل گسترش کرونا، فعالیت‌های هنری که می‌تواند جامعه را از حالت غم‌زدگی و افسردگی درآورد نیز تحت تأثیر این بیماری قرار گرفته است. مبتلا شدن بسیاری از هنرمندان به کرونا - که در چنین شرایطی می‌توانند پادزهر این تراژدی باشند - خود بر وخامت این اوضاع تراژیک افزوده است. به هر روی، این وظیفه نهادهای متولی امور هنری است که با در نظر گرفتن پروتکل‌های بهداشتی، زمینه آفرینش امید و زندگی را در جامعه گرفتار تراژدی کرونا فراهم کنند. همچنین، در چنین وضعیتی، خلق معانی دینی توسط مراجع مربوطه و بیان آن به شیوه هنری نیز می‌تواند ضمن تقویت روحیه امید و استقامت در مردم، آنان را برای مقابله با غمبارگی ناشی از تراژدی کرونا توانا کند.

گفتنی است، بر اثر چیرگی روح ناامیدی ناشی از گسترش این بیماری، ذهن جامعه فلسفی به لحاظ نگرشی، به سوی یکی از مسائل بنیادین هستی، یعنی مرگ سوق یافته است؛ به گونه‌ای که این پرسش بنیادین پیوسته در روان غم‌زده جامعه مطرح می‌شود که آیا باید برای مرگ و گذر از زندگی آماده شد. این پرسش، یادآور تقابل اروس و تاناتوس فروید است، اما باید در تلاش بود تا ضمن پذیرش واقعیت وجودی تاناتوس، از طریق تقویت نیروی اروس، عشق و میل به زندگی را افزایش داد.

نهادهای مربوطه می‌توانند از هنر برای تقویت نیروی اروس و میل به زندگی بهره بگیرند.

البته عملکرد نهادهای متولی آفرینش‌های هنری، خود، بیانگر این مطلب است که آنان در این حوزه به آفرینش هنری از جنس سوگ، بیشتر تمایل دارند تا آفرینش‌گری از جنس اروس، سرزندگی، و میل به زندگی. ناگفته پیداست که نیروی آفرینش‌گری نهادهای متولی امور فرهنگی و هنری، به دلیل تبیین بیشتر ایدئولوژی رسمی، در پرداختن به فلسفه تاناتوس کوشاتر بوده است. در واقع، گسترش بیماری کرونا می‌تواند در بازنگری در دیدگاه تاناتوس محور نهادهای متولی امر آفرینش‌گری هنری به سوی اروس مبتنی بر شوق و زندگی، تأثیرگذار باشد.

چه بخواهیم و چه نخواهیم، نهادهای متولی امر سیاست‌گذاری هنری، ضمن پایبندی به ساختار ایدئولوژی رسمی و متناسب با مطلوب‌های آن ساختار، باید به تقویت روح زندگی از طریق رسانه‌های رسمی مبادرت ورزند. بی‌تردید توجه به این مهم، نیازمند بازنگری در نگرش نخبگان مربوطه است. اروس یا عشق، به عنوان مفهومی نسبی برای تسکین دردهای مردمان رنج‌کشیده، به گونه‌ای یکسان عمل نمی‌کند. کارگزاران سیاسی با شناخت روحیات و قابلیت‌های اقشار گوناگون جامعه می‌توانند به تفسیرهای متفاوتی از این مفهوم، متناسب با حال و هوای هر قشر از جامعه، دست زده و بر این اساس، گاهی اروس را در چارچوب دینی و معنوی و گاهی نیز به گونه‌ای عینی و ملموس تفسیر کنند. به هر روی، کارگزاران سیاسی باید با تفسیر اروس به مفهومی کاملاً دینی و متافیزیکی، روحیه امید را در گروه‌هایی از جامعه که وجدان مذهبی و دینی بیداری دارند، زنده کنند. اما بخش‌هایی از جامعه، با قرار گرفتن اروس در قالب‌های هنری، روحیه امید و حس نشاط و سرزندگی را باز خواهند یافت که شایسته است دستگاه سیاست‌گذاری با بهره‌گیری از جذابیت‌های هنری رسانه‌های عمومی، میل به زندگی را در چنین اقشاری نیز زنده نگه دارد.

بنابراین، ایجاد محیط زیستی پاک و ایمن و به دور از سلطه‌گری بی‌رویه انسان، تقویت نهادهای هنری در دوران کرونا، بیان هنری معانی و مفاهیم دینی، تقویت روحیه امید و استقامت به وسیله سیاست‌گذاری درست در حوزه هنری، دوری گزیدن دستگاه سیاست‌گذاری رسمی از سوگ‌محوری و گرایش به عشق‌محوری بر پایه آفرینش‌های هنری، ضرورت تغییر نگرش سیاست‌گذاران عرصه فرهنگی و توجه دستگاه سیاست‌گذاری به روحیات متفاوت اقشار گوناگون مردم در دوران کرونا، از عمده‌ترین بایسته‌های سیاست‌ورزی دستگاه سیاست‌گذاری ایران برای مقابله با کروناویروس است. پس بایسته است که نظام سیاست‌گذاری در ایران با در نظر گرفتن این راهکارها، توان مقابله با شرایط بحرانی زندگی را در قالب هنر اصیل و فاخر به نمایش بگذارد.

نتیجه‌گیری

تراژدی، از نظر ارسطو، در کنار حماسه و کمدی، یکی از انواع سه‌گانه مطلوب در یونان باستان است. این مفهوم، ضمن برخورداری از محتوا، قهرمانانی دارد که آن را بیان می‌کنند. همچنین، تراژدی، پیرامون اندیشه شکل می‌گیرد و دارای صحنه نمایش است که در قالب بروز ماتم، ... خودنمایی می‌کند. کرونا نیز در شرایط کنونی — با توجه به همه‌گیری جهانی‌اش — بسیاری از افراد و حتی خانواده‌ها را درگیر خود کرده و به زایش تراژدی نیز یاری رسانده است. افزون‌براین، این بیماری بسیاری از نابسامانی‌های دیگر جوامع، مانند مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ... را نیز فعال کرده است. در واقع، کرونا، محتوایی دردناک از نابسامانی را در خود دارد. چه بسیار انسان‌هایی که بر اثر اوج‌گیری آن جان خود را از دست داده‌اند و چه خانواده‌هایی که در شرایطی ویژه و اضطراری، مجبور شده‌اند مراسم سوگواری از دست دادن عزیزان خود را به‌تنهایی برگزار کنند و به‌عبارتی، این شرایط خاص سبب شده است که برون‌داد تراژدی، یعنی ظهور آن به‌شکل مراسم ماتم، به‌خوبی تحقق نیابد. بی‌تردید، این امر در بروز ناهنجاری‌های روحی و روانی اعضای جامعه نیز تأثیرگذار خواهد بود. گذشته از زایش ماتم که از برجسته‌ترین ویژگی‌های تراژدی‌زای کرونا است، نوعی انحطاط و فروپاشی مناسبات اجتماعی و سیاسی نیز از پیامدهای دیگر آن است. این انحطاط و فروپاشی، از چندین سال پیش رخ داده است؛ افزایش سطح تورم و اعمال تحریم‌های خارجی، در ایجاد چنین وضعیتی مؤثر بوده‌اند. به‌هرروی، گسترش بیماری کرونا که بر گسل‌های ناشی از این انحطاط سوار شد، با تشدید کردن بحران، وضعیتی تراژیک را رقم زد. اگر در دوران پیشاکرونا، بحران اقتصادی و اشتغال وجود داشت، با وجود همه‌گیری این بیماری، مشکل دوچندان شده است. در واقع، دست‌به‌دست هم دادن مجموعه‌ای از نابسامانی‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی با کرونا، زنجیره تراژیک واقع در فرایند انحطاط را تقویت کرده است.

شاید بتوان گفت، اقدامات ناب‌خردانه انسان‌ها، در پیدایش این تراژدی تأثیرگذار بوده است. در پارادایم سنت، زیست انسان با طبیعت، بسیار هم‌دلانه بود و انسان‌ها در حفظ آن کوشا بودند، اما در دوران مدرن و با پیدایش نظام سرمایه‌داری، آدمیان به‌گونه‌ای خودخواسته، در راستای تخریب طبیعت گام برداشتند؛ به‌گونه‌ای که پیدایش انواع بیماری‌ها، از جمله کرونا، یکی از پیامدهای ناخوشایند چنین نگرشی است. سهل‌انگاری دولت‌ها، یکی دیگر از ابعاد سیاسی و تراژدی‌آفرین کرونا است. بسیاری از دولت‌ها، از جمله دولت ایران، به‌دلیل دغدغه

معیشت و سلامت، در برخی موارد، خواسته یا ناخواسته، با کم‌رنگ کردن فاصله‌گذاری و محدودیت‌های اجتماعی، سبب‌ساز گسترش بیشتر این بیماری شده‌اند. کرونا همچنین، با نشانه گرفتن معیشت مردم، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به زیست اقتصادی مردم وارد کرد. چه بسیار افرادی که بر اثر این بیماری، شغل خود را از دست داده‌اند و مجبور شده‌اند برای تأمین معیشت خود با ویروس کرونا دوئل کنند که این خود، بیانگر وجه مصیبت‌بار و تراژیک زندگی، یعنی درغلتیدن به کام مرگ است.

انزوآگرایی و در قرنطینه ماندن نیز که از پیامدهای اجتماعی کرونا بود سبب شد که درگیری‌های خانوادگی به طلاق بینجامد. افزون‌براین، ویروس کوید ۱۹ به گونه‌ای شگفت‌انگیز، ضرورت توجه به مسئله مرگ و معنا را به صورت هم‌زمان در پی داشته است.

به نظر می‌رسد، راه برون‌شد از وضعیت تراژیک بحران کرونا در دوران انحطاط، بهره‌گیری از توان آفرینش‌گری هنر در راستای رهاندن روحیه خسته و درمانده افراد مبتلا به بیماری و آفت بیکاری است. با قدرت جادوی هنر و تلطیف روحیه غمگین مردمان کرونازده می‌توان دوباره نشاط و سرزندگی را به جامعه بازگرداند؛ در این میان، نقش سیاست‌گذاری دولت در جامعه ایران برای عبور از بحران کرونا اهمیت ویژه‌ای است. با تزریق روحیه امید و نشاط می‌توان روان کرونازده جامعه را از هم‌نوایی با مرگ باز داشت و بار دیگر، آنان را به زندگی برگرداند. بی‌تردید اجرای چنین مهمی، همکاری دستگاه‌ها و نهادهای مسئول را می‌طلبد. به هر روی، ضرورت تغییر نگرش سیاست‌گذاران عرصه فرهنگی و توجه دستگاه سیاست‌گذاری به روحیات متفاوت اقشار گوناگون مردم، افزایش میل به زندگی، تغییر شیوه زیست آدمیان، ضرورت توجه بیشتر به طبیعت و همدلی با آن، و همچنین، تقویت بعد متفاوتی یکی انسان‌ها از گذرگاه سیاست‌گذاری درست و مبتنی بر عشق معنوی با توجه به مفهوم اروس تعالی محور، از جمله عمده‌ترین راهکارها برای برون‌رفت از بحران کرونا به شمار می‌آیند.

بنابراین، سیاست‌گذاری اصولی برگرفته از مبانی نظری مبتنی بر آفرینش‌های هنری متأثر از اروس تعالی محور می‌تواند به دولت در ایران کمک کند تا به گونه‌ای مؤثر با تراژدی کرونا مقابله کند و به بحران بی‌اعتمادی اجتماعی به خود نیز پایان دهد.*

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۹۳)، ساختار و تأویل متن، چاپ هفدهم، تهران: نشر مرکز.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۹)، «پیامدهای اجتماعی شیوع ویروس کرونا در جامعه ایران»، فصلنامه علمی-تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، شماره دوم، ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا، کوید ۱۹، اردیبهشت.
- باقری دولت‌آبادی، علی و سیف‌آبادی، محسن (۱۳۹۹)، «سیاست خارجی ایران در عصر کرونا؛ از دیپلماسی سلامت تا دیپلماسی رسانه‌ای»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره دوم، برمن، مارشال (۱۳۹۷)، تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نقد.
- بورل، آر.ام (۱۳۹۲)، «همه‌گیری وبا در ایران در سال ۱۹۰۴»، ترجمه فریدون فرزی و زهرا نظرزاده، فصلنامه خردنامه، سال چهارم، شماره ۱۱.
- بهبهانی، کاوه (۱۳۹۶)، «والنتاین: روز اروس: تأملی بر مفهوم عشق در مدرن از رهگذر خواندن شعر والنتاین کرول ان دافی، فلسفه و کلام»، نشریه حکمت و معرفت، سال دوازدهم، شماره ۴. تأثیر کرونا بر حیات فرهنگی (۱۴۰۰)، در دسترس در:
- isna.ir/1400061611770
- چیت‌ساز، محمدجواد (۱۳۹۹)، «کرونا و دین‌داری: چالش‌ها و تحلیل‌ها»، فصلنامه علمی-تخصصی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا؛ کوید ۱۹، شماره دوم، اردیبهشت.
- سهرابی فر، وحید (۱۳۹۹)، «ظرفیت‌های کرونا برای ایده‌پردازی جدید در حوزه الهیات»، در دسترس در: <https://urd.ac.ir/fa/cont/9675>
- حمیدی، سمیه و قادری، هاشم (۱۳۹۸)، «چیستی دولت در اندیشه سیاسی شوپنهاور»، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۲۰. ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های جامعه برای مقابله با بحران کرونا (۱۳۹۹)، در دسترس در: <https://www.irna.ir/news/83722069>
- ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۳۸۷)، «تراژدی فرزندکشی»، مجله نامه پارسی، دوره ۴۶ و ۴۷.
- خسروی، حسن (۱۳۹۹)، «حمایت از حقوق انسانی افراد در برابر کوید ۱۹ (کرونا ویروس) در پرتو فلسفه اخلاق و وظیفه‌گرایی کانت»، مجله علمی پژوهش‌های فلسفی دانشگاه تبریز، سال ۱۴، شماره ۳۱.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۹)، «بازی تاج‌وتخت کرونا؛ آموزه‌ای برای سیاست‌ورزی ایرانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره دوم.
- _____ (۱۳۹۹)، «برساختن گمیشافت مجازی در روزگار کرونا»، پژوهش‌های راهبردی سیاست،

شماره ۳۳.

روند و موانع توسعه در ایران معاصر (۱۳۹۹)، دردسترس در:

aa.com.tr/fa/182264

رئیس، علیرضا (۱۳۹۹)، «نزول شدید پروتکل های بهداشتی، فقط ۴۲ درصد مردم رعایت می کنند»،
در دسترس در:

mehre news.com/5044906

عباسی، ابراهیم (۱۴۰۰)، «بحران های پاندمیک (بیماری های همه گیر) و سیاست: فرصت ها و
تهدیدهای پساکروناوی در ایران»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۵۱،
شماره ۱.

علوی تبار، هدایت (۱۳۹۳)، فلسفه رنج شوپنهاور و راه های رهایی از آن، در دسترس در:

www.tasnim news.com

علی، بختیار (۱۳۹۵)، آیا با لاکان می توان انقلابی بود؟، تهران: افراز.

فیرحی، داود (۱۳۹۹)، «کرونا، الهیات، و جامعه»، گلشن مهر، سال بیست و دوم، شماره ۲۱۱۹.

کالارد، آگنس (۱۴۰۰)، «چه اهمیتی دارد اگر بدانیم روزی نسل بشر به پایان خواهد رسید»،
دردسترس در:

fararu.com/fa/news/ 500

کرونا، دین داری را تقویت کرد/ نسبت رنج و بیماری با گرایشات دینی (۱۳۹۹)، دردسترس در:

https://www.mehrnews.com/news/4904124

گریمال، پیر (۱۳۶۷)، فرهنگ اساطیر یونان و رم، ترجمه احمد بهمنش، تهران: مؤسسه چاپ و
انتشارات دانشگاه تهران.

گمبل، اندرو (۱۳۸۱)، سیاست و سرنوشت، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.

گمپرتس، تئودر (۱۳۹۹)، متفکران یونانی، جلد های اول و دوم، تهران: انتشارات خوارزمی.

منوچهری، عباس (۱۳۹۹)، «پاندمی کرونا به مثابه یک جنگ آشکار نادیدنی»، فصلنامه مطالعات
میان رشته ای در علوم انسانی، ۱۲(۲)، ۹-۲۶، پیاپی ۴۴.

_____ (۱۳۹۰)، نظریه های انقلاب، تهران: انتشارات سمت.

میلر، دیوید (۱۳۸۷)، فلسفه سیاسی، ترجمه بهمن دارالشفایی، تهران، نشر ماهی.

نصیری حامد، رضا (۱۳۹۹)، «بحران کرونا به مثابه مجالی برای بازاندیشی در وضعیت سیاست
اکنون»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره دوم.

یگر، ورنر (۱۳۷۶)، پایدیا، ترجمه محمدحسن لطفی، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.

Ahrens Dorf, peter J (2009), *Greek Tragey and Political Philosophy, Rationalism
and Religion in Sophocles Theban Plays*, Cambridge university press.

Agamben, Goorgio (2020), "The State of Exception Provoked by an Unmotivated
Emergency, February", Positions Website.org/gic.

Pityana, N. Barney (2020), "A Theological Statement on the Coronavirus
Pandemic", *Religion and Theology*, brill.com/view/ journals/rt/27/3-4/ article-
p324-8- xml? Language= en.